



سخن نخست

وکیل دکتر عباس کریمی*

به نام خداوند داد و خرد

تعارض بین آزادی مذهب و آزادی بیان

بدون تردید، آزادی موهبتی است الهی که در راستای تکریم بنی آدم، از سوی خالق هستی به آحاد انسانها ارزانی داشته شده است و رعایت کرامت تشریحی بشر، اقتضای حفظ حرمت حریم آزادی را می نماید.

یکی از انواع این آزادی، آزادی در اظهار عقیده است. هرکس در بیان اندیشه ها و تبیین عقیده ای شخصی و یا گروهی خود آزاد است و کسی نمی تواند مانعی برای آزادی بیان ایجاد کند مگر اینکه استفاده از این آزادی با آزادی دیگران در تعارض باشد و یا مصلحت عمومی را تهدید نماید که البته چنین مصلحتی نیز باید بر مدار قانون تبیین و تفسیر گردد و نمی بایست که با تفسیر موسع از مصلحت عمومی، استثناء محدودیت آزادی را بر اصل آن مقدم داشت. با این همه، در ماجرای انتشار کاریکاتورهای اهانت آمیز به ساحت مقدس پیامبر بزرگ اسلام که به حق اشرف مخلوقات خوانده شده، در بعضی از کشورها، با توسل به حق آزادی بیان، رسانه ها را در این خصوص آزادی دانستند و مراجع قضائی ملی و اروپایی در سطح این قاره، درخواست جامعه مسلمین را برای منع رسانه ها به نشر این کاریکاتورهای توهین آمیز مورد اجابت قرار ندادند و همگی مستند خود را حق آزادی بیان اعلام داشتند. این نحوه برخورد، گرچه با اندک تأملی، به نظر می رسد که بیشتر تحت تأثیر جو سیاسی شکل گرفته تا براساس دغدغه های حقوقی، لیکن روشن است که جامعه حقوقی مأموریت دارد از طرق علمی و با استفاده از نظریات حقوقی به کشف و شناساندن انحرافات مبنایی در بحث حق آزادی اقدام نماید.

* - استاد دانشگاه تهران و عضو اصلی هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز



نگارنده این سطور، در کنگره بین المللی حقوق اساسی که در سال ۱۳۸۶ در یونان برگزار شد، در نقد سخنرانی یکی از اساتید فرانسوی که به دفاع از آراء دادگاههای این کشور می پرداخت، ایرادات کلی را که متوجه مدافعین از حق آزادی به منظور اهانت به مقدسات دینی می شد در آن کنگره بیان نمود و در حالی که حدود هفتصد نفر از اساتید حقوق اساسی و یا قضات دادگاههای قانون اساسی مستمع اظهارنظرها بودند مبانی عمومی نظر خود را تبیین کرد. پرواضح است که در فرصت کوتاه اختصاص یافته، بیان دقیق موضوع میسر نیست، لیکن تکرار خلاصه از آنچه مطرح شد در این نوشته می تواند پژوهشگران دلسوز این عرصه را به تکمیل راه و بررسی همه جانبه موضوع وا دارد.

آزادی بیان، قبل از هر چیز همانند سایر شاخه ها و شعب آزادی، به آزادی دیگران محدود می شود. آنچه که به بهانه آزادی بیان در عرب ترویج می شود، در واقع راهی است برای جلوگیری از ترویج دین مبین اسلام که رو به گسترش است. به استهزاء گرفتن باورهای دینی مسلمانان، به نظر طراحان این توطئه، موجب می شود که پیروان این دین بزرگ الهی، از اظهار عقیده و دین خود در مجامع عمومی خودداری نمایند و بدین ترتیب گسترش دین اسلام تحت کنترل در آید و محدود گردد. ولی به راستی آیا تجویز اعمال آزادی بیان به نحو فوق، موجب تهدید و تحدید آزادی ابراز عقیده و آزادی مذهب و عمل به دستورات آن برای پیروان دومین دین ساکنین قاره اروپا نخواهد شد و در نتیجه به علت تعارض این دو آزادی نباید دایره آزادی بیان را به نحوی تحدید نمود که جمع هر دو آزادی میسر گردد؟ از طرف دیگر، تمام آزادیها، دست کم یک محدوده دارد و آن هم آزادی دیگران است. بنابراین چگونه می توان به استناد آزادی بیان، اهانت به دیگران را تجویز نمود؟ از آن گذشته، آزادی بیان به منظور تعالی افکار و اندیشه ها و در نتیجه تعالی جوامع بشری از حیث مادی و رفاهی و نیز معنوی طراحی شده است. پس استفاده از این آزادی در غیر مجرای خود و برای هدفی شوم، سوءاستفاده از آزادی قلمداد می گردد و وقت آن نرسیده که نظریه سوءاستفاده از آزادی را در کنار سوءاستفاده از حق ساماندهی نمود تا چنین مشکلاتی موجب نفاق و برخورد قومیت ها و پیروان مذاهب نگردد؟ امید است که پژوهش های عمیق، مقالات، پایان نامه ها و رساله های فوق لیسانس و دکترا زوایای این موضوع را مورد فحص و بحث قرار دهند.